

بررسی نظریه نقش ترغیبی زبان در اشعار پروین اعتصامی

فاطمه مرادی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۱، صص ۸۹-۱۱۲

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7873>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از نظریه پردازان برجسته ساختارگرایی «رومن یاکوبسون» است، نظریه الگوی ارتباط کلامی وی بر این اساس است که هرگونه ارتباطی میان گوینده و مخاطبش بر شش عامل: فرستنده، گیرنده، مجرای ارتباطی، تماس، رمز و موضوع استوار است. یکی از نقشهای ارتباطی در این شش نقش، «نقش ترغیبی زبان» میباشد که در آن جهتگیری پیام به سوی مخاطب است و راوی تلاش میکند تا با بکارگیری جملات امر و نهی، شبه جمله ها و مناداها، با مخاطبش ارتباط برقرار کند. در دیوان پروین اعتصامی، شاعر با بهره گیری از جملات فراوان امر و نهی و منادادادن مخاطب، به ترغیب وی پرداخته، تا از طریق ابزار زبانی و نقش ترغیبی زبان، پیام خویش را به او برساند. شاعر از این شیوه در انواع جملات ناگذرا و گذرای دو وسه و چهار جزئی استفاده نموده و در بیان مفاهیمی با درونمایه های دینی عرفانی، فرهنگی، سیاسی- اجتماعی از این شیوه بهره جسته است؛ که بیانگر آن است که در دیوان اشعار پروین اعتصامی کاربرد شیوه ترغیبی در ارتباط با مخاطب کارایی فراوانی داراست.

روش پژوهش: روش پژوهش در این جستار، توصیفی- تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه ای و نوشتارهای در پیوند با نظریه ساختارگرایی رومن یاکوبسون و نقشهای ارتباطی زبان و به ویژه نقش ترغیبی زبان میباشد. جامعه آماری پژوهش، دیوان پروین اعتصامی است.

یافته های پژوهش: یافته ها حاکی از آن است که پروین اعتصامی از نقش ترغیبی زبان که یکی از نقشهای ارتباطی در نظریه ساختارگرایی میباشد، برای تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطب استفاده نموده است.

نتیجه گیری: شاعر در نوع ادب تعلیمی، با بکارگیری روشهای مختلف نقشهای ترغیبی زبان، از جمله جملات امر و نهی و منادا دادن مخاطب، بر اثر کلام خویش افزوده است و مخاطب را به پذیرش پیام اشعار خویش ترغیب نموده است. وی، از نقشهای ترغیبی زبان در بیشتر مفاهیم و درونمایه ها مانند: عرفانی- دینی و فرهنگی و سیاسی- اجتماعی بهره جسته و رویکرد وی در ارتباط با مخاطبش بیشتر بر نظریه ترغیبی زبان استوار بوده است.

تاریخ دریافت: ۰۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۰۹ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۲۴ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

ساختارگرایی، نظریه یاکوبسون،
نقش ترغیبی، ادبیات تعلیمی،
پروین اعتصامی

* نویسنده مسئول:

fmaradi@cfu.ac.ir

۸۷۷۵۱۰۰۰ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the theory of the persuasive role of language in Parvin Etesami's poems.

F. Moradi

Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 January 2025
Reviewed: 27 February 2025
Revised: 14 March 2025
Accepted: 28 April 2025

KEYWORDS

Structuralism, Jakobson's theory, persuasive role, educational literature, Parvin Etesami

*Corresponding Author

✉ fmoradi@cfu.ac.ir

☎ (+98 21) 87751000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the theorists of structuralism is "Roman Jakobson". His theory of verbal communication model is based on the fact that any communication between the speaker and the addressee is based on six factors: sender, receiver, communication channel, contact, code and subject. One of the communication roles in these six roles is the "persuasive role of language" in which the message is directed towards the addressee and the narrator tries to establish a connection with his addressee by using imperative and prohibitive sentences, quasi-sentences and exclamations. In Parvin Etesami's Divan, the poet, by using numerous imperative and prohibitive sentences, exhorts the addressee to convey his message to him through linguistic tools and the persuasive role of language. The poet has used this method in various types of intransitive and transitive sentences of two, three and four parts and has used this method to express concepts with religious, mystical, cultural, political and social themes. Which indicates that in Parvin Etesami's poetry collection, the use of persuasive methods in communicating with the audience is very effective.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical based on library studies and writings related to Roman Jakobson's structuralist theory and the communicative roles of language, especially the persuasive role of language. The statistical population of the research is Parvin Etesami's poetry collection.

FINDINGS: The findings indicate that Parvin Etesami has used the persuasive role of language, which is one of the communicative roles in structuralist theory, to have a greater impact on the audience.

CONCLUSION: The poet of the didactic literature type, by using various methods of persuasive roles of language, including imperative and prohibitive sentences and making the audience the target, has added to the effect of her words and has encouraged the audience to accept the message of her poems. He has used the persuasive role of language in most concepts and themes such as: mystical-religious, cultural, and political-social, and his approach to his audience has been based more on the persuasive theory of language.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7873>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 0	 13

بیان مسأله:

زبان در زندگی ما نقش بزرگی ایفا میکند. ولی ما شاید تنها به این دلیل که با آن آشنا هستیم، به ندرت درباره آن به تأمل میپردازیم. همین امر سبب میشود به هنگام آرایه یک تعریف کامل و علمی از زبان با مشکل مواجه شویم. حتی زبان‌شناسان، حکما، دانشمندان و لغتشناسان نیز به هنگام ارائه تعریفی خاص از زبان و چگونگی پیدایش و منشأ آن با هم اختلاف نظر دارند، به همین سبب تعاریف متعددی از زبان آرایه شده است، در تعریفی ساده، میتوانیم «زبان را الفاظی برای ایجاد ارتباط و انتقال افکار و معانی از ذهنی به ذهن دیگر تعریف کنیم. بنا به این تعریف زبان باید یکی از استعدادهای بشر باشد چرا که تنها انسان است که زبان ملفوظ دارد. این تعریف را میتوان تعریفی محدود از زبان لفظی و تکلمی دانست. زبان به صورتهای دیگر نیز تجلی پیدا میکند و به معنی وسیع آن میتواند شامل هرگونه نشانه‌ای باشد که معانی و افکار را از کسی به دیگری منتقل مینماید به این ترتیب میتوان برای زبان دو قسم قائل شد؛ زبان صوتی و زبان غیر صوتی، مانند حرکات و علایم راهنمایی و

زبان صوتی خود بر دو قسم است؛ زبان تکلمی و زبان غیر تکلمی، مانند صداهایی که به وسیله ابزارهایی نظیر آلات موسیقی یا دم ایجاد میشود. در این تقسیم بندی زبان تکلمی نیز موجب ایجاد نوعی زبان بصری است که خط نام دارد؛ چراکه حروف و اجزای خط نماینده اصوات و آواهایی هستند که با آن سخن میگوییم این زبان بصری را میتوانیم همان زبان نوشتاری بدانیم» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴) «زبان نوشتاری شامل زبان علمی، رسمی و زبان ادبی میباشد زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی در این زبان لفظ به معنای حقیقی بکار میرود. این زبان ما را مستقیم و بی آنکه بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم به مدلول راهنمایی میکند، زبان ادبی بویژه زبان شعر، زبانی است دارای نشانه‌های تصویری، یعنی در آن برای نیل به مقصود از صدای کلمات آرایش آنها، طول هجاها، مجاز، کنایه و سایر صنایع بدیعی استفاده میشود.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۶)

و نیز در تعریف زبان گفته اند: «زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط اجتماعی است و افراد اجتماع از طریق زبان میتوانند افکار و اندیشه‌های خود را به یکدیگر منتقل کنند، یعنی زبان وسیله بیان و انتقال اندیشه و احساسات گوینده است. (باطنی، ۱۳۵۶: ۱۱)

با توجه به این توضیحات میتوان زبان را به صورت فنیتر، چنین تعریف کرد:

«زبان نظامی است به هم بافته و نهاده‌ای است اجتماعی و استعدادی است فطری و زاینده که سبب تولید یا فهم علایم و کلمه‌ها و جمله‌های بشمار بوسیله انسان میشود و از این راه بین افراد بشر ارتباط برقرار میکند.» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴)

«اگرچه زبان ابزار برقراری ارتباط است، اما نقشهای دیگری نیز دارد. دانشمندان از دیرباز درباره نقشهای زبان سخن گفته‌اند، از جمله علمای اسلام در علم معانی زبان را دارای دو نقش میدانستند، یکی اسناد خبری و دیگری، اسناد انشایی. اسناد خبری آن است که احتمال صدق و کذب در آن برود. این همان نقشی است که یاکوبسن آن را ارجاعی مینامد و مارتینه ارتباطی. اسناد انشایی آن است که در آن احتمال صدق و کذب نرود. اسناد خبری به انواعی تقسیم میشود، به عبارت دیگر، گرچه خبری است، اما برای اغراض دیگری به کار میرود که جنبه بلاغی دارد. از جمله خبر برای تشویق و ترغیب و نشان دادن عواطف استفاده میشود. اسناد انشایی مانند امر، نهی، ندا، پرسش، نیز برای اغراض دیگر به کار میروند که جنبه بلاغی دارند.

«علمی که به بررسی زبان میپردازد، زبان‌شناسی نام دارد.» (باطنی، ۱۳۷۱: ۹)

نگرش علمی و نو‌زبان‌شناسان و پیشرفت پژوهشگران در حوزه زبان‌شناسی در قرن نوزدهم و بالأخص قرن بیستم تحولاتی اساسی در حوزه زبان‌شناسی بوجود آورد و به گفته یاکوبسن پیشرفت اندیشه علمی در زبان و کارکردهای مختلفش در دهه بیستم به رسمیت شناخته شد (تودوروف، ۱۳۸۵: ۱۱). در این قرن نظریه‌های بسیاری از سوی زبان‌شناسان مختلف مطرح شد که از میان این نظریه‌ها، آرای فردینان دو سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) - زبان‌شناس مطرح این دوره از مقبولیتی ویژه و عام برخوردار شد به خصوص مسأله زبان - و گفتار، دال و مدلول و روابط همنشینی و جانشینی تداعی که بیش از دیگر نگرشهای وی مورد توجه قرار گرفت (صفوی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۰) سوسور میان «زبان» در معنی خاص و «زبان» در معنی عام تمایز میگذارد. از دیدگاه وی زبان در معنی عام ابزار ایجاد ارتباط است و از دیرباز موضوع مطالعات فلسفی بوده و هست. زبان در مفهوم خاص زبانی است که گروهی از مردم برای ایجاد ارتباط استفاده کنند که برای گروه دیگر قابل درک نیست (همان ۵۱)) از این رو، طرح نظام زبان به فردینان دو سوسور نسبت داده میشود. (هارتمن، ۱۳۷۷: ۱۱۰) به اعتقاد سوسور واحدهای زبانی به دلیل ارزشهای متفاوتشان از یکدیگر متمایز میشوند و باید از طریق مجموعه‌ای از روابط مشخص کشف شوند و به توصیف در آیند. یکی از این دو گونه رابطه مبتنی بر گزینش است که سوسور آن را جانشینی یا متداعی مینامد و دیگری مبتنی بر ترکیب که همنشینی یا مقالی نامیده میشود (صفوی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۷).

در قرن بیستم که زبان‌شناسی وارد مرحله نوینی شد، زبان‌شناسان، روان‌شناسان و اهل منطق، نظراتی متفاوت درباره نقشهای زبان ارائه دادند؛ بعضی نقشهای زبان را چهار نقش دانسته‌اند و بعضی بیشتر، حتی بعضی برای زبان پانزده نقش برشمرده‌اند. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹)

بعدها یاکوبسن که از نظریه پردازان حوزه زبان‌شناسی و مکتب فرمالیسم به شمار میرفت از این دستاورد سوسور برای تحلیل ادبی سود جست. رومن یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲) زبان‌شناس و ادیب روسی، نظریه‌های مهمی را در زمینه زبان‌شناسی مطرح کرد و مقاله‌های بسیاری درباره زبان‌شناسی همگانی نوشت یکی از نظریه‌های مهم وی نظریه ارتباط است که در خصوص پیام و چگونگی انتقال آن مطرح شده است. این نظریه ابتدا توسط بولر مطرح شده بود.

طرح سنتی زبان آن گونه که بولر مطرح کرد به سه نقش، عاطفی ترغیبی و ارجاعی زبان محدود میشد و سه رأس ارتباط یعنی اول شخص یا فرستنده دوم شخص یا گیرنده و سوم شخص را شامل میگشت (یاکوبسن ۱۳۸۱: ۷۵). بعدها یاکوبسن در نیمه دوم زندگی اش، نظریه ارتباط را گسترش داد. او در این نظریه جایگاه دقیق و درست پیام زیبایی‌شناسیک را تعیین کرد و معتقد بود به یاری آن میتوان پیامهای ارسالی را درک کرد و نقش هر کدام را مشخص نمود. به اعتقاد یاکوبسن هر ارتباط موفق باید سه عنصر را همراه داشته باشد. «تماس» به هر دو معنای جسمانی و فکری روانی، کد یا مجموعه‌ای از رمزگان و علائم و سرانجام زمینه که در گستره آن میتوان فهمید پیام چیست (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۶). بنا بر نظر یاکوبسن پیام زمانی مؤثر خواهد شد که معنایی داشته باشد و طبعاً میباید از سوی گوینده رمزگذاری و از سوی مخاطب رمزگردانی شود. به اعتقاد پل ریکور، انواع رمزگان مجموعه‌ای از واحدهای جدا از هم و قواعد ترکیبی را در اختیار گوینده میگذارد و گوینده یا نویسنده به کمک آنها میتواند بنیادی‌ترین واحد سخن، یعنی جمله را تولید کند. (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۶) نقشهای ارتباطی با توجه به ابعاد ارتباط این گونه معرفی می‌شوند:

اغلب پیامها ارجاعی اند یعنی معطوف به بافتند برخی عاطفی و مربوط به فرستنده اند که نحوه ی برخورد فرستنده را بیان میکند ، برخی کنایی اند که عمدتاً معطوف به گیرنده میباشند مثل عبارات امری برخی سخن گشایانه و هدف از آنها فقط خود امر تماس است. وقتی جهت گفتگو معطوف به خود رمزگان باشد مثل پرسش درباره معنی کلمات آن وقت نقش جمله فرازبانی میشود و زمانی هم که پیام بر خودش تأکید کند و توجه را به سوی الگوهای آوایی سیاق کلمات و نحو خود بکشاند نقش جمله ادبی میباشد. (اسکولز، ۱۳۷۹: ۴۸)

«یاکوبسن برای تشخیص مشخصه ذاتی ادبیات از شیوه کاربرد واژگان بر روی محور همنشینی و جانشینی سود میجوید. به اعتقاد وی ، شیوه انتخاب یک واژه از میان واژه های کم و بیش معادل یکدیگر بر روی محور جانشینی (استعاره) و چگونگی ترکیب بر روی محور همنشینی (مجاز)، میتواند جملات یک زبان را از نقشی ارتباطی به سمت نقش ادبی زبان سوق دهد. (صفوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۸). وی همچنین شعر را پیامی کلامی میدانند که نقش زیبایی آفرینی آن وجه غالبش را تشکیل میدهد. وجه فرعی در شعر میتواند هر کدام از نقشهای عاطفی ارجاعی و ترغیبی باشد که به ترتیب در قالبهای شعری غنایی، حماسی و تعلیمی نمود مییابند. (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۷)

پیشینه تحقیق

نخستین کسی که درباره گوینده مدار و فرستنده مدار بودن انواع ادبی نکاتی را مطرح کرد، رومن یاکوبسن بود؛ که در کتاب « روندهای بنیادین در دانش زبان » شش جنبه ارتباطی را مد نظر قرار داد. در ایران کوروش صفوی (۱۳۸۰) در کتاب « از زبانشناسی به ادبیات » به نظریات یاکوبسون پرداخت. در بین مقالات انجام شده در ایران، آهی و فیضی (۱۳۹۲) در مقاله (نقشهای ششگانه زبانی در ادبیات تعلیمی با تکیه بر یکی از قصاید سنایی) تحلیلی از قصیده ای از سنایی بر اساس نظریه یاکوبسون داشته اند.

گرجی ونورالدین اقدم (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان « ایوان مدائن در ترازوی ارتباط بررسی و تحلیل قصیده ایوان مدائن بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسون » تحلیلی از این قصیده از دیدگاه یاکوبسون ارائه داده اند. و آقابابایی، ایران زاده و صفوی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان « بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبانشناسی با تکیه بر نظریه نقشهای زبانی یاکوبسون » به بررسی نظریه یاکوبسون در نوع ادبی غنایی پرداخته اند . لازم به ذکر میباشد که بررسی این نظریه در دیوان پروین اعتصامی تاکنون مسبوق به سابقه نبوده و در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته است .

نظریه ارتباط یاکوبسن

نظریه ارتباط یاکوبسن شش عنصر سازنده را در هر رخداد زبانی برجسته میکند: هر گونه ارتباط زبانی از یک «پیام تشکیل شده است که از سوی گوینده یا به بیان کلی تر از فرستنده منتقل میشود.» این ساده ترین شکل بیان ارتباط است اما هر ارتباط موفق باید سه عنصر دیگر را نیز همراه داشته باشد: «تماس به هر دو معنای جسمانی و فکری روانی؛ «کد» یا مجموعه ای از رمزگان و علائم و سرانجام «زمینه» که در گستره آن میتوان فهمید پیام چیست (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۵)

نقشهای شش گانه در نظریه ارتباط

یاکوبسن شش جزء تشکیل دهنده فرآیند ارتباط یعنی گوینده، مخاطب ،مجرای ارتباطی ،رمز ،پیام و موضوع را

که حاصل معنی است تعیین‌کننده نقشهای شش‌گانه زبان میدانند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۰)

هر یک از شش عنصر ارتباط موجود، کارکرد ویژه خویش را دارد. البته اگر ما وجود این شش جنبه اصلی را در ارتباط و به‌ویژه ارتباط زبانی بپذیریم آنگاه دشوار میتوانیم پیامی بیاییم که صرفاً به یکی از این شش جنبه مرتبط شود. یاکوبسن کارکرد هر یک از عناصر ارتباط را به دقت تشریح کرده و هر یک را به نامی خوانده است. او کارکرد فرستنده را «عاطفی»، کارکرد زمینه را «ارجاعی»، کارکرد تماس را «کلامی»، کارکرد «کد» را فرازبانی کارکرد «گیرنده» را «کوششی» و سرانجام کارکرد پیام را «ادبی» نامیده است. (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۶-۶۷)

منظور از کارکرد یا نقش کوششی نقش ترغیبی است. این تفاوت نامها برخاسته از ترجمه‌های متفاوت است. بنابراین نقشهای ششگانه در نظریه ارتباط عبارتند از:

الف) عاطفی (ب) ادبی (پ) همدلی (ت) ارجاعی (ث) فرازبانی (ج) ترغیبی

الف) عاطفی (Emotive Function):

به اعتقاد یاکوبسن در این نقش از زبان جهتگیری پیام به سوی گوینده است، این نقش زبان تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد خواه گوینده حقیقتاً آن احساس را داشته باشد و خواه وانمود کند که چنین احساسی دارد یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا تظاهر مییابد، مانند: ای وای یا حتی اوصاتی نظیر نه و نه و جز آن. این نقش نخستین بار توسط مارتینه مطرح شد. این همان نقشی است که مارتینه آن را با اندکی گسترش حدیث «نفس» مینامد (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱) البته اصطلاح کارکرد «عاطفی» و کارکرد احساسی هر دو برای این گزینه بکار می‌رود اما اصطلاح کارکرد عاطفی رساتر است (فالر و دیگران، ۱۳۶۹: ۷۸)

ب) ادبی (Poetic Function):

«در این نقش از زبان، جهتگیری پیام به سوی خود پیام است. در این شرایط پیام فی‌النه‌فیه کانون توجه قرار می‌گیرد. به اعتقاد یاکوبسن پژوهش درباره این نقش زبان بدون در نظر گرفتن مسائل کلی زبان به ثمر نخواهد رسید و از سوی دیگر بررسی زبان نیز مستلزم بررسی همه جانبه نقش شعری آن است (همان: ۳۱) در کارکرد ادبی زبان به سوی ساختمان صوری زبان توجه بیشتری میشود. (آقابابایی و صفری ۱۳۹۵: ۱۶)

پ) همدلی (Phatic Function):

در این نقش از زبان جهتگیری پیام به سوی مجرای ارتباط است بنا به گفته یاکوبسن هدف برخی از پیامها این است که ارتباط برقرار کنند، موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند. برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است مانند «الو» صدایم را میشنوی؟ خانم بچه‌ها چطورن؟ و جزء آن (همان: ۳۲)

ت) ارجاعی (Referential function):

«در این نقش جهتگیری پیام به سوی موضوع پیام است. صدق و کذب گفته‌هایی که از نقش ارجاعی برخوردارند به دلیل آن که جملاتی اخباری بشمار می‌روند از طریق محیط امکان‌پذیر است مانند امروز باران میبارد «برادر» به دانشکده رفته است و جز آن. یاکوبسن بر این نکته تأکید دارد که تمایز میان نقش ارجاعی و نقش ترغیبی زبان از طریق امکان تشخیص صدق و کذب گفته مشخص میگردد و جملات اخباری زبان تماماً از نقش ارجاعی برخوردارند. او این نقش را توصیفی نیز میخواند و بولر آن را بیانی میدانند. (همان: ۳۳)

ث) فرازبانی (Metalinguistic Function):

به اعتقاد یاکوبسن هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دوی آنها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده میکنند مطمئن شوند، جهتگیری پیام به سوی رمز خواهد بود. در چنین شرایطی زبان برای صحبت درباره خود زبان بکار میرود و واژگان مورد استفاده شرح داده میشود. از نقش فرازبانی بویژه در فرهنگهای توصیفی استفاده میشود برای نمونه جمله ای نظیر «عمو یعنی برادر پدر» نشان دهنده کاربرد فرازبانی است. (همان: ۳۳)

ج) ترغیبی (Conative Function):

تأدیه معتقد است عملکرد «انشایی» به سمت گیرنده معطوف است و نابترین بیان آن حالت ندا یا حالت امری است. (تأدیه: ۱۳۷۷: ۴۳) در این نقش جهتگیری پیام به سوی مخاطب است. ساختهای ندایی یا امری را میتوان بارزترین نمونه های نقشهای ترغیبی زبان دانست صدق و کذب این گونه ساختها قابل سنجش نیست؛ مانند: «این کتاب را بخوان»، «ای خدا» و جز آن. این نقش زبان، پیش از یاکوبسن، با اندک تفاوت از سوی بولر مطرح شده بود. آنچه مارتینه تحت عنوان حدیث نفس بدست میدهد، در اصل آمیزه ای از نقش عاطفی و برخی از ساختهای ندایی مطروحه در نقش ترغیبی است. از نظر مارتینه صورتهایی نظیر «ای وای» و «یاخدا» هردو در چارچوب حدیث نفس قرار میگیرند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۳)

ساخت گرایبی؛ دو محور جانشینی و همنشینی از دیدگاه سوسور و یاکوبسن

به اعتقاد سوسور واحدهای زبان به دلیل ارزشهای متفاوتشان از یکدیگر متمایز میشوند و باید از این طریق مجموعه ای از روابط مشخص کشف شوند و به توصیف درآیند. یاکوبسن معتقد است طرح روابط در اصل توصیفی از عملکرد زبانی زبان است. یکی از این دو گونه رابطه، مبتنی بر گزینش (انتخاب) است که آن را متداعی (assosiative) نامیده اند و دیگری مبتنی بر ترکیب، همنشینی یا (combination) است (صفوی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۳۰) یاکوبسن با بهره گیری از این نظر سوسور دو قطب استعاری (Metaphoric pole) را بیان کرد که البته معادل اصطلاحات علوم بلاغی یعنی استعاره و مجاز بلاغی نیست. (کزازی ۱۳۶۸: ۱۴۰) یاکوبسن با بهره گیری از نظریه سوسور در مورد محورهای جانشینی و همنشینی نقش شعری زبان را توضیح داد و استعاره را به روابط جانشینی و مجاز را به روابط همنشینی پیوند میدهد. یاکوبسن استعاره را فرایندی میداند که نشانه ای را از محور جانشینی به جای نشانه دیگری قرار میدهد؛ قطب مجاز هم فرایندی است که بر روی محور همنشینی عمل میکند (صفوی، ۱۳۸۰: ج ۲: ۹۸)

اگرچه این نظرات خالی از اشکال نیستند. اما از میان آنها نظریه ارتباط یاکوبسن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، این نظریه برای زبان شش نقش قایل است: عاطفی، ادبی، همدلی، ارجاعی، فرازبانی و ترغیبی؛ و هر کدام از این نقشها در ساختاری خاص نمود مییابند؛ مثلاً نقش ترغیبی در حروف ندا و فعلهای امر خود را نشان میدهد. با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر میرسد میتوان نقش ترغیبی را در دیوان بانو پروین اعتصامی باتکیه بر نظریه ارتباط یاکوبسن با دو بخش ساختار جمله های ترغیبی و درونمایه های نقش ترغیبی مورد بررسی قرار داد.

بررسی نظریه نقش ترغیبی زبان در اشعار پروین اعتصامی:

ساختار جمله های ترغیبی:

جمله های ندایی و امری از شمار گزاره هایی هستند که نقش اصلی آنها ترغیبی است. در این نقش جهتگیری پیام به سوی مخاطب است، به همین خاطر ساختهای ندایی یا امری را میتوان بارزترین نمونه های نقش ترغیبی

زبان دانست. صدق و کذب این گونه ساخت‌ها، قابل‌سنجش نیست و آنچه مارتینه تحت‌عنوان حدیث نفس به دست می‌دهد در اصل آمیزه‌ای از نقش عاطفی و برخی از ساختهای ندایی مطروحه در نقش ترغیبی است. البته با وجود دسته‌بندی نقشهایی که یاکوبسن در نظریه ارتباط ارائه کرده، این مسأله هم مطرح است که مشکل بتوان پیامی را یافت که تنها در قالب یکی از این نقشها قابل طرح باشد. بنابراین، تعیین انواع پیامهای کلامی بر این اساس صورت نمیپذیرد که هر یک از آنها صرفاً در قالب یکی از این چند نقش زبان قابل طبقه‌بندی است بلکه بر پایه این امر تحقق مییابد که هر پیام از چه جایگاهی در سلسله مراتب این نقشها برخوردار است (سجودی، ۱۳۸۰: ۹۲) و همین نکته باعث میشود که گاه با وجود ساختارهای متفاوتی که در یک بیت یا حتی یک مصرع نقش ترغیبی را برعهده دارند، آن ساختاری که از نظر ایفای نقش برجسته‌تر عمل کرده است مبنای قرار میگیرد ولی در عین حال نمیتوان تأثیر سایر ساختارها را نادیده گرفت. بررسی نظریه نقش ترغیبی زبان در اشعار پروین اعتصامی در دوزمین ساختار انواع جملات دو جزئی و سه جزئی و چهار جزئی و سپس در زمینه درونمایه‌های ترغیبی این جملات صورت میپذیرد.

ساختار انواع جمله:

بزرگترین واحد زبان جمله مستقل است. جمله مستقل بخشی از زبان است که بخشی از یک واحد بزرگتر نباشد؛ سخنی است که دارای دو بخش نهاد و گزاره باشد. جمله مستقل دو نوع است ساده، مرکب جمله ساده یک فعل دارد جمله مرکب آن است که لااقل یک جمله وابسته داشته باشد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۱).

انواع جمله ساده

الف) جمله‌های دو جزئی: دارای ساختار واحدی هستند: نهاد + گزاره

ب) جمله‌های سه جزئی: ساختار جمله‌های سه جزئی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱) سه جزئی با مفعول: نهاد + مفعول + فعل.

۲) سه جزئی با مسند: نهاد + مسند + فعل.

۳) سه جزئی با متمم: نهاد + متمم + فعل.

پ) جمله‌های چهار جزئی: ساختار جمله‌های چهار جزئی به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱) چهار جزئی با مفعول و متمم: نهاد + مفعول + متمم + فعل.

۲) چهار جزئی با مفعول و مسند: نهاد + مفعول + مسند + فعل.

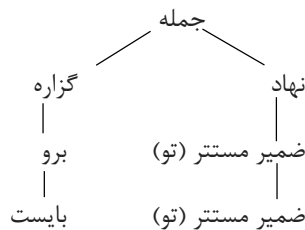
۳) چهار جزئی دو مفعولی: نهاد + مفعول + مفعول + فعل.

۴) چهار جزئی با متمم و مسند: نهاد + متمم + مسند + فعل. «(همان: ۲۲).

بر این اساس، در ادامه ساختار جمله‌های دارای نقش ترغیبی با ذکر نمونه‌های برجسته‌تر دیوان اشعار پروین اعتصامی مورد بررسی قرار میگیرد.

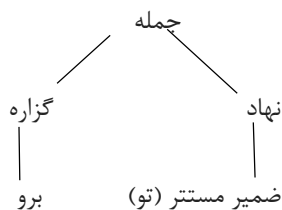
جمله‌های دو جزئی: نهاد + گزاره

هزار کوه گرت سد ره شوند برو
هزار ره گرت از پا در افکنند بایست



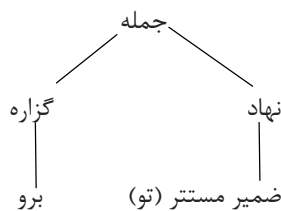
در این بیت با تضادی زیبا در دوفعل امر «برو» و «بایست» ، شاعر مخاطب خود را که شامل تمامی خوانندگان اشعارش می باشد، ترغیب به رفتن و ایستادگی کردن مینماید. البته فعل امر بایست در این بیت در معنی توقف کردن نمیباشد اما شاعر با بهره گیری از ایهام تناسبی زیبا این تقابل را چشمگیر نموده است. رفتنی که امری است برای مواجهه با مشکلات فراوانی که با نماد کثرت عدد هزار به صورت اغراق آمیز مطرح گشته و از سوی دیگر تشویق به ایستادگی و پایداری، آن هم در اوج مشکلات عدیده ای که میتوانند، آدمی را از پا در افکنند. همان پایی که دستور به حرکت در زمان لزوم برایش صادر شده بود ، کنون با دستوری دیگر رفتنش را توام با پایداری و ایستادگی مینماید .

برو بازجو دولت جاودان را ز هر باد چون گرد منما بلندی



در این بیت فعل امر «برو» تمامی مخاطبان پروین را ترغیب به حرکت و پویایی میکند. با قاطعیت و با استفاده از شیوه بلاغی امر به رفتن مینماید تا از توقف و بیهوده سپری کردن ایام به بطالت، خواننده را بر حذر دارد و او را تشویق و ترغیب کرده و به سمت آرزوها و اهدافش سوق میدهد.

برو به مطبخ شه یا به مخزن دهقان به شهر و قریه بسی خانه ها که آبادند

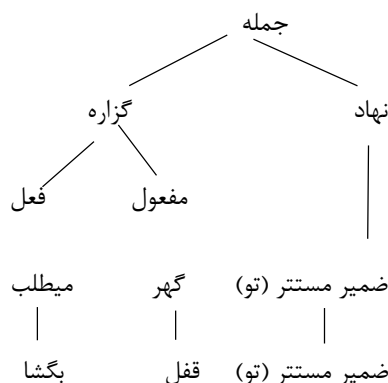


در این بیت نیز فعل امر برو با قاطعیت دعوت به رفتن مینماید اما این بار با آوردن متمم‌های قیدی مکانی که دستور به رفتنش داده شده را مشخص نموده است. این ترغیب کاملاً امری و دستوری و برای صلاح کار مخاطبی خاص می‌باشد.

جملات سه‌جزیی با مفعول: نهاد + مفعول + فعل گذرا به مفعول

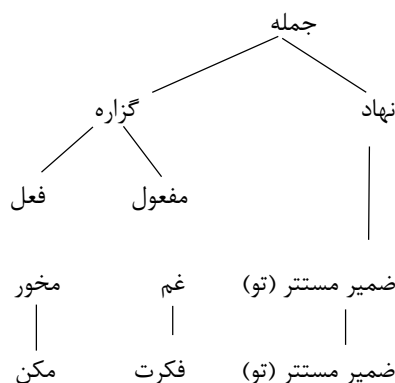
نشود کان حقیقت ز گهر خالی
برو ای دوست گهر میطلب از کانش

بگشا قفل در باغ فضیلت را
بخور از میوه شیرین فراوانش



در این ابیات، پروین مخاطبان خود را که چون دوستی عزیز می‌شمارد، ترغیب به طلب گهر و جواهر مینماید، آن هم نه هر گهری، فقط جواهری که از کان و معدن حقیقت باشد، زیرا این جواهر از دیدگاه وی ارزش طلبیدن دارد. و مناعت طبع بالای شاعر در این بیت کاملاً مشهود است، او مخاطبش را تشویق به درخواست گهر از شخصی نمیکند، بلکه او را مستقیم به سوی کان می‌فرستد تا خود مخاطب گهر حقیقت را از معدن آن دریابد. در بیت بعدی فعل امر دیگری، مخاطب را ترغیب به گشودن قفل در میکند. دری که در باغ فضیلت است و گشودن آن میتواند انسان را با فضیلت گرداند. در این جمله، گروه مفعولی قفل در باغ فضیلت میباشد. که به سبب نقش فرعی مضاف الیه در نمودار ذکر نشده است. در مضاف الیه و وابسته پسین قفل و باغ نیز مضاف الیه مضاف الیه و وابسته وابسته قفل و فضیلت نیز مضاف الیه مضاف الیه و وابسته میباشد.

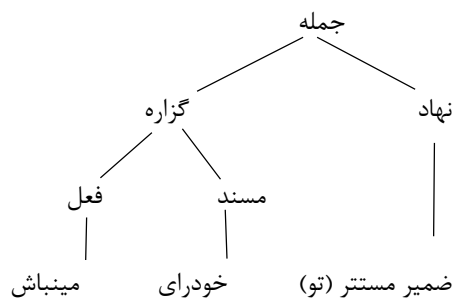
ای دل عبث مخور غم دنیا را
فکرت مکن نیامده فردا را



در این بیت شاعری بهره‌گیری از نهی کردن، مخاطب را ترغیب به نخوردن غم دنیا مینماید و از اندیشه و هراس فردای نیامده باز میدارد. مخاطب خود شاعر و تمامی خوانندگان همدل با اویند. وی از بیهودگی و عبث بودن غمخواری برای دنیا و اندیشه باطل و نادرست درباره فردای نیامده سخن میراند و از تمامی همدلانش میخواهد در این فکر او سهیم شوند و آنها را به بهره‌گیری از زمان حال و آسودگی خاطر دعوت و تشویق مینماید. دو فعل به کار رفته هر دو به صورت نهی و از دسته افعال ترغیبی میباشد و هر دو گذرا به مفعول هستند.

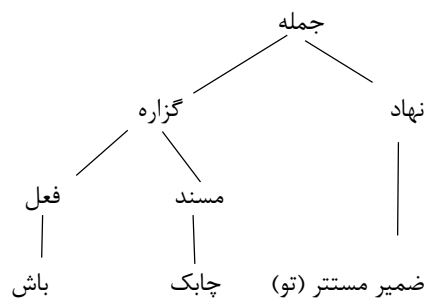
جملات سه جزئی با مسند: نهاد + مسند + فعل گذرا به مسند

خود رای مینباش که خودرایی راند از بهشت، آدم و حوا را



در این بیت، شاعر با استفاده از فعل نهی اسنادی، مخاطبش را از صفت نا پسند خودرایی نهی میدارد و در واقع وی را به ترک تکبر و تواضع و فروتنی ترغیب مینماید. عاقبت خودرایی را به وی گوشزد کرده و با بهره‌گیری از تلمیح و اشاره به داستان رانده شدن آدم و حوا از بهشت، این ویژگی بد را برای مخاطبش ملموس میسازد تا وی را از این صفت و فعل نادرست نهی کند. پروین با علم به اینکه که انسانها همیشه از یادآوری این رانده شدن پدر خود آدم و مادر خویش حوا، ناراحت میشوند با ایجاد این احساس، تلاش در بازسازی از این حالت در مخاطبش مینماید.

چو وقت کار شود، باش چابک اندر کار چو نوبت سخن آید، ستوده گوی کلام

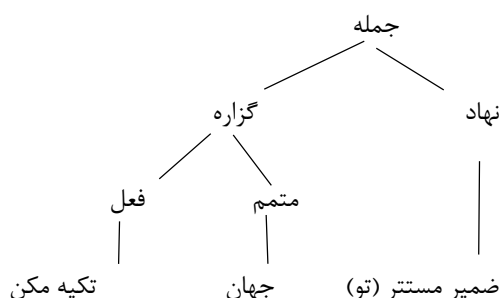


در بیت بالا، پروین با بهره‌گیری از فعل امر اسنادی مخاطب خود را که میتواند، تمامی خوانندگان باشد، به سوی صفتی پسندیده و ستوده ترغیب مینماید. او فعل امر باش را برای ویژگی چالاکی استفاده کرده و از خواننده

خود می‌خواهد که به هنگام کار چابک و سریع باشد زیرا هرکاری در زمان لازم خود، کاری سودمند و گره‌گشا خواهد بود و از سوی دیگر، چه بسا بسیاری از کارهای بشر که به علت عدم چابکی در حین انجام کار موجب عدم انجام صحیح آن شده و برای شخص و گاه اشخاص بسیاری موجب خسران و محرومیت از درهای گشوده پروردگار گردیده است. پس در زمانی که وقت کار است میبایست چابک بود.

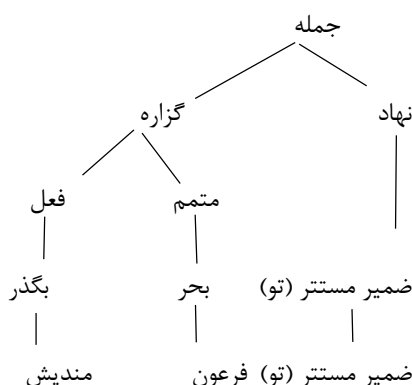
جملات سه‌جزیی با متمم اجباری: نهاد + متمم + فعل گذرا به متمم اجباری

گرت ای دوست بود دیده روشن بین به جهان گذران تکیه مکن چندین



در بیت فوق، آوردن فعل نهی گذرا به متمم اجباری، جنبه ترغیبی برای مخاطب به وجودآورده است. پروین در اکثر اشعارش مخاطبی به شکل دوست خود دارد، در اینجا نیز با مخاطبی که چون دوست خود، او را دوست میدارد سخن گفته و تاکید میکند که اگر دیده‌ای روشن بین و بخردانه به جهان هستی داری، نباید به جهان در حال گذر تکیه کنی. صفت گذران بر ناپایداری این جهان تاکید کرده و در برابر مخاطب از این سخن پرده بر میدارد که هر امری، شایسته تکیه و اعتماد نیست، بویژه اگر این تکیه گاه جهانی گذران باشد. و با بهره‌گیری از قید چندین، این خطر و فریب همیشگی که انسانها را در طول زندگی بشر به خود مشغول ساخته است را با تاکید فراوان گوشزد مینماید.

بگذر از بحر و ز فرعون هوی مندیش دهر دریا و تو چون موسی عمرانی

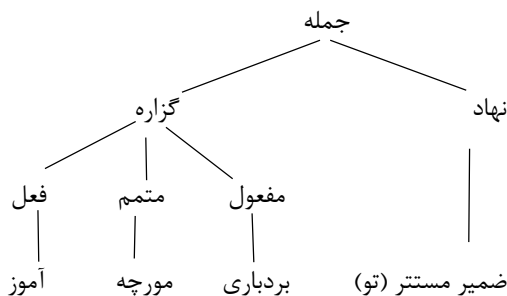


در مصراع نخست این بیت شاعر نخست با فعل امری گذرا به متمم ، اقدام به ترغیب مخاطب مینماید و سپس با فعلی نهی این ترغیب را موکد میکند.

گذشتن از بحر دهر و نهرا سیدن از فرعون هوی ، یکی از راه های نجات آدمی از وسوسه های این جهانی است ، پس او با استفاده از تلمیحی که تداعی گر پایانی شکوهمند و پیروز است از ما میخواهد که از دریای روزگار بگذریم و دل در هواهای فرعونی آن که هر لحظه موجب هراس ما میگردد، نبندیم ، چراکه اگر انسان ها بیاموزند که این هوا و هوس دنیوی فقط موجب هراس و ترس و درد سرهایشان در این جهان است به این پیام شاعر دل میبندند و بر انجامش ترغیب میگردند.

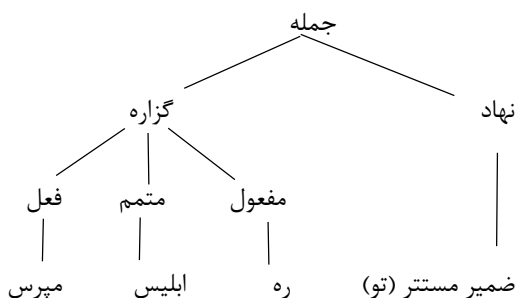
جمله های چهار جزیی:

جملات چهار جزیی با مفعول و متمم: نهاد + مفعول + متمم + فعل گذرا به مفعول و متمم اجباری
 برو ز مورچه آموز بردباری و سعی که کار کرد و شکایت ز روزگار نکرد



فعل امر آموز که گذرا به مفعول بردباری و معطوف آن صبر می باشد نیازمند متممی است که در این بیت مورچه است .شاعر گیرنده پیامش را دعوت به آموختن میکند ، آن هم از مورچه که در بردباری و صبر و قناعت سرآمد است. مفاهیمی چون بردباری و صبر هر چند متعالی هستند اما نیازمند آموزشی عملی میباشند و پروین هنرمند دانا این مفاهیم را به درستی درک نموده و نیاز به آموزش عملی آن را بیان کرده است . صبری توأم با کار و شکیبایی همراه رضایت و درکنار عدم شکایت .

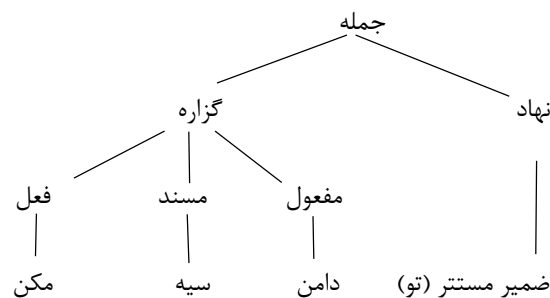
ز ابلیس ره خود مپرس گرچه در بادیه کعبه رهسپار است



این بار با نهی به مخاطب خویش راه مینماید و او را از ابلیسانی که ظاهری فریبنده دارند دور کرده و به سمت حقیقت ترغیب مینماید.

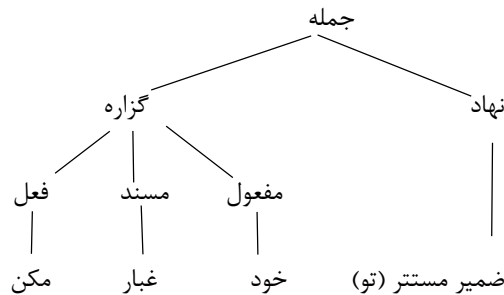
بی شک، انتخاب راه و مسیر دشوارترین کار زندگانی هرفرد است و چه بسا پرسیدن مسیر این راه از شخصی غلط موجب تباهی هردو جهان گردد. پس با دلسوزی تمام از فعل نهی می‌پرس در مورد مفعول که راه است و متمم که ابلیس میباشد، بهره می‌جوید.

جملات چهارجزیی با مفعول و مسند: نهاد + مفعول + مسند + فعل گذرا به مفعول و مسند
 ز انگشت آز دامن تقوی سیه مکن این جامه چون درید نه شایسته رفوست



در این بیت، شاعر با استفاده از فعل نهی مکن، خواننده را به نیالودن دامن تقوا ترغیب مینماید. با بهره جستن از ترکیب اضافه استعاری انگشت آز در نقش متمم قیدی جمله، مخاطبش را راهنمایی کرده و به وی خطر سیه کردن دامن تقوا را که به دست انگشت آز اتفاق می‌افتد را خاطر نشان میکند.

مکن خود را غبار از صرصر جهل و هوی و کین درین جمعیت گمره نیایی جز پریشانی



شاعر در این بیت با استفاده از فعل نهی مکن، گیرنده پیام را ترغیب به نجات خویشتن از تندباد جهل و هوی و کین مینماید و نتیجه گرفتاری در این صرصر نابودساز را که چیزی جز، غبار گشتن نیست به وی یادآوری مینماید و گرفتاری در این تندباد را نتیجه همنشینی با جمعیتی گمره دانسته و برای رهایی مخاطب از نیستی، او را از ایشان بر حذر میدارد.

شبه جمله های دارای مفهوم ترغیبی:

تنبيه:

گشت هنگام درو کشت چه کردی هین
آمد آوای جرس توشه چه داری هان
در این بیت ، دو شبه جمله «هین» و «هان» به معنای «آگاه باش» و «هوشیار باش» برای ترغیب به هوشیاری به کار رفته است. البته با توجه به مفهوم کلی بیت، مخاطب را بر اغتنام فرصت نیز تشویق مینماید.

تعجب:

ای عجب! این راه نه راه خداست
زانکه در آن اهرمنی رهنماست

شاعر با استفاده از «ای عجب» تعجب خود را از گمراهی انسان از راه حق و عدم مشاهده راهنمابودن اهریمن بیان داشته و به صورتی ضمنی مخاطب را ترغیب به ترک راهی مینماید که شیطان راهنمایش است.

منادا:

ای دوست تا که دسترسی داری
حاجت بر آر اهل تمنا را
یکی از پر بسامدترین مخاطبانی که در دیوان پروین منادا قرار گرفته اند ، دوست میباشد. شاعر بسیار از حرف ندای «ای» در کنار منادای «دوست» برای ترغیب هرچه بیشتر مخاطبش به انجام کار یا ترک کاری بهره جسته است.

لحن صمیمی پروین در کنار گزینش منادای ای دوست ، خواننده را بیشتر تشویق به پذیرش سخن وی مینماید و احساس همدلی را در او بر می انگیزد.

پروین بر استفاده صحیح از زمان تاکید داشته و میگوید تا توان داری ، سعی در برآوردن نیاز نیازمندان نما. گویی او از کوتاهی عمر پرسودش خبر داشته و به همین سبب ، گیرنده پیامش را بارها به استفاده به موقع از وقت ترغیب میکند، همچنان که خودش بهترین بهره برداری را از بهار کوتاه زندگیش نموده است.

درونمایه های نقش ترغیبی

یکی از موضوعات اساسی که در نقش ترغیبی باید مورد توجه قرار گیرد، اهداف و انگیزه های شکل گیری جمله های ترغیبی است که از آنها تحت عنوان درونمایه ها یاد شده است. درونمایه ها در حقیقت بنیاد بیان های ترغیبی به شمار می آیند و در این بخش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در این بررسی علاوه بر جمله هایی که ساختار و نقش ترغیبی دارند، سایر نقش ها که به صورت ضمنی دارای نقش ترغیبی اند، نیز مورد توجه قرار گرفته اند. به هر حال می توان درونمایه های نقش ترغیبی در دیوان پروین اعتصامی را به قرار زیر تقسیم کرد:

۱. درونمایه های دینی - عرفانی

۲. درونمایه های فرهنگی ، سیاسی - اجتماعی

درونمایه های دینی - عرفانی:

بخشی از ابیات دارای نقش ترغیبی در ارتباط با مسائل دینی و عرفانی است ، مسائلی چون عشق معرفت ترک دنیا، دعا ، توکل ، تسلیم اخلاقیات و..... علت جای دادن مسائل اخلاقی در میان درونمایه های دینی - عرفانی را میتوان چنین ذکر کرد که غایت و کمال آموزه های دینی و عرفانی، آراستگی به فضایل اخلاقی و رفتاری میباشد.

۱- صبر و بردباری

نمونه‌ها:

- ۱- بدین خردی نیاید از تو کاری
 - ۲- چو نسرین اوفتاد از پای، گفتم
 - ۳- برو ز مورچه آموز بردباری و سعی
 - ۴- ز آزادگان، بردباری و سعی
 - ۵- از برای پایداری، پای نه
 - ۶- پروین بروز حادثه و سختی
 - ۷- در این ناوردها آن به که پوشی
- به پشت عقل باید بردباری
که باید صبر کرد و بردباری
که کار کرد و شکایت ز روزگار نکرد
بیاموز، آموختن عار نیست
بهر صبر و بردباری، جای نه
در کار بندصبر و مدارا را
ز دانش مغفر و از صبر جوشن

شاعر در نمونه‌های بالا و در ابیات دیگر خواننده را ترغیب به صبر و بردباری میکند و با تأکید فراوان، بیان میدارد که برای انجام امور، باید از توشه صبر و بردباری مدد جست و با صبر از عقل استفاده کرد و در هنگام بلایا نیز صبور بود و این صبوری را صفت آزادگان دانسته و آموختن آن را نه تنها عار نمیداند که تا آن حد فرامیرود که به آموختن صبر از موری توصیه میکند و تأکید دارد، در راه رسیدن به اهداف باید با صبر و پایداری پیش رفت.

۲- پاکدامنی:

هر چه افلاک کند با تو سزاواری
شاعر خواننده را به صورت صریح و آشکار دعوت به پاکدامنی میکند و متذکر میشود؛ حتی در مقابل جفاهای و حوادث دهر، مبدا دامن آلوده کنی و جهت ترغیب بیشتر مخاطب به او یادآوری مینماید که او از پاکان است و هرگز نباید انسان پاکدامن در مقابل ناملایمات دامنش آلوده گردد.

۳- تواضع و پرهیز از خودپسندی:

به حرص و آز مبر فرصت عزیز بسر
مرا بین و رها کن خودپرستی
در بیت بالا، پیام شاعر تواضع است، وی با پیامی صریح بیان میدارد که عمر بی بدیل تمام و خودپسندی به سر رساند، بلکه با دوری از خودخواهی و عجب میتوان از فرصتها بهینه سود برد؛ باید از سرگذشت خودپرستان عبرت گرفت و با این درس خودپرستی را رها کرد.

۴- ترک حرص و آز:

به ترک حرص گوی و پارسا شو
چاره کن آزدگی از را
که خوش نبود طمع با پارسائی
تا که به دکان عمل مومیاست
ترک آز و حرص نیز، یکی از پیامها و دستورهایی است که پروین به خوانندگانش توصیه میکند و میگوید اگر کسی طالب پارسایی باشد باید حرص را ترک گوید چراکه آز با پارسایی منافات دارد. آنچه موجب آزدگی میگردد آز است ولی انسان توان چاره سازی دارد و میتواند آزدگی آن را با ترکش درمان کند اما باز هم بر این چاره سازی در زمان میسر و مقرر تأکید شده است.

۵- آزادگی و رهایی:

بیا به بیشه و آزاد زندگانی کن
برای خوردن و خوش زیستن، مکش وجدان

رها بیت باید، رها کن جهان را
جز طمع و حرص چیست خار مغلان
بندگی خودمکن که خویش پرستی
یکی از مفاهیم ارزشمندی که شاعر بارها به آن توصیه نموده است، آزادی است. باید آزاد زیست و حتی برای نیازهای اصلی زندگانی این آزادی را از دست نداد. اگر نیاز باشد در راه آزادی و رهایی باید جهان هستی را نیز رها نمود تا بدینوسیله مایه آرایش جان پاک نشود و انسان را از رهایی که خواسته جان پاک است جدا نگرداند. تا آنجا در آزاد اندیشی پیش میرود که عنوان میکند حتی نباید بندگی خویشتن را نیز کرد و باید از همه چیز رها شد.

۶- رسیدگی به یتیمان :

ای آنکه راستی بمن آموزی
خود در ره کج از چه نهی پا را
خون یتیم در کشی و خواهی
باغ بهشت و سایه طوبی را
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
یکی از زیباترین مضمون آفرینی های پروین، در مضامینی که در باب یتیمان آورده است میگنجد. اشک یتیمی که در روایات واحادیث عرش الهی را می لرزاند در دیوان اعتصامی بسی خوش نشست است و دل هر انسان فهیم و مهربانی را به درد می اندازد. سرشکی که میبایست مورد نظاره قرار گیرد تا تابناکی گوهر ستمگران را بنمایاند، نهیبی است برای آنان که مدعی راستی هستند و خون یتیمان را در میکشند و منتظر جایگاهی رفیع در باغ بهشتند.

۷- رسیدگی به حال ناتوانان :

ای دوست تا که دسترسی داری
حاجت بر آر اهل تمنا را
زیراک جستن دل مسکینان
شایان سعادت است توانا را
تا دیگران گرسنه و مسکینند
بر مال و جاه خویش نیفزاید
بپرس از ناتوانان تا توانی
بترس از روزگار ناتوانی
یکی از آموزه های دینی ما مسلمانان، رسیدگی به حال ناتوان و دستگیری از ناتوانان میباشد، پروین در شعرش صریح و آشکار بیان میدارد که باید به ناتوانان و مسکینان رسیدگی کرد و در برطرف ساختن حاجاتشان گام برداشت و این امر را به عنوان سعادت قابل توجه دانست و انسان توانمند از اینکه بتواند کاری برای مسکینان و نیازمندان کند باید بر خود بالادو این امر مهم را در فرصت مناسب و تا زمانی که امکانش مهیاست انجام دهد.

۸- پرهیز از ریاکاری:

روی و ریا را مکن آیین خویش
هرچه فساد است ز روی و ریاست
از مفاهیمی که در ادیان الهی و تمام جوامع بشری، بسیار بد و ناپسند شمرده میشود، ریا و ریاکاری میباشد. پروین، خواننده اش را نهی میکند که مبدا شیوه و روش زندگی خود را بر پایه ریاکاری بنیان نهد و او را از به کار بستن روی و ریا در امورش باز میدارد و آگاه نمودن وی از اینکه تمام مفسده ها به سبب ریاکاری است و ریشه و بنیان فساد در ریاکاری نهاده شده است، دلیل این نهی نمودن را بیان میدارد.

درونمایه های فرهنگی، سیاسی - اجتماعی :

«از آغاز حیات در نحوه زندگی بشر یعنی در «جا» و «خورش» و «پوشش» و «آمیزش» دگرگونی های شگرف و بیشماری روی داده است. شاید در آغاز کار، دشوار باشد که بپذیریم که تمدن عبارت از همین تفننهای زندگی یا

به عبارت روشنتر، تمدن تفنن در جا و خورش و پوشش و آمیزش است. «سازش» و «آمیزش» نمودار فرهنگ هر ملت است و فرهنگ جوهر پدیده‌های ذهنی و چکیده دریافت‌های مردم یک ملت در طول تاریخ است» (محمودی بختیاری، ۱۳۶۸: ۵) فرهنگ همچنین به معنای ادب، تربیت، دانش علم و معرفت بیرون کشیدن و بالا کشیدن استعداد‌های درونی فرد و اجتماع، رسوم و مجموعه علوم معارف و هنرهای یک قوم به کار رفته است. فرهنگ یا بر حسب موقع نماینده اشکال مختلف رفتار و هنر است، یا مجموع سازمان‌های اجتماعی و عادات و هنرهای یک ملت را می‌سازد» (همان: ۲۶-۲۸) و آنجا که چرخ‌های تمدن، با تندباد تاخت و تازهای دیگران ملّتی را به پریشانی میکشاند یا بنیاد سامان او را میلرزاند فرهنگ به یاری او می‌شتابد. اگر انسان یا ملّتی از فرهنگی نیرومند برخوردار باشد در گیر و دار زندگی مادی و پیدا کردن راه زندگی، آن فرهنگ هم به نیازهای روحی و درونی او پاسخ می‌دهد، و هم راه را به او می‌نمایاند. اصولاً بهترین و بیشترین پرسش‌ها و دشواری‌های هر فرد و ملت پرسش‌ها و دشواری‌های درونی است. توجه به همین عوامل و کیفیات درونی است که حتی در مادی‌ترین ایدئولوژی‌ها از شناخت روحيات و شناخت روانشناسی مردم و اجتماع گریزی نبوده است» (همان: ۶-۷) ملت ایران در طول تاریخ از فرهنگ غنی و قوی برخوردار بوده و در پرتو مواهب آن، آبرومند و سربلند زیسته است. این فرهنگ دیرین در طول قرون متمادی به اقتضای موقعیتهای سیاسی- اجتماعی تغییرات و تحولاتی نیز پذیرفته است؛ چنان که پژوهشگران مهمترین مؤلفه‌های فرهنگی ما را تا قبل از حمله ی مغول عبارت دانسته اند از: ۱) خداشناسی و اهمیت دین ۲) اهمیت سخن و حفظ زبان ۳) اعتقاد به تقدیر ۴) خردورزی ۵) اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی ۶) بخشش و داد و دهش ۷) راز پوشی و تأکید به محافظه‌کاری و به نوعی ریاکاری ۸) اهمیت عدل و داد و لزوم دادگری ۹) اغتنام فرصت شادی و شادخواری ۱۰) ناپایداری جهان و بی‌وفایی روزگار ۱۱) باور به خدایی بودن سلاله شاهان و ایمان به فره ایزدی ۱۲) دوری از ننگ و نام‌جویی ۱۳) ستایش میانه روی ۱۴) پند و اندرز دادن ۱۵) یادآوری مرگ و ایمان به رستاخیز ۱۶)

مبارزه دایمی خیر و شر و دوگانگی اندیشه ایرانی (رستگار فسایی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۳)

۱- اغتنام فرصت :

به حرص و آز مبر فرصت عزیز به سر
به جهل و عجب مکن عمر بی بدیل تمام
پروین، دردیوانش مخاطبان را ترغیب به استفاده درست از فرصتها و از دست ندادن زمان میکند و تأکید دارد اتلاف وقت براه‌حرص و آزمندی اتفاق خواهد افتاد و انسان حریص و آزمند آن چنان غرق در طمعش خواهد شد که عمر گرانبهای را تباه خواهد ساخت و این تباهی زمان موجب می‌گردد که عمر بی مانند وی بدیل با نادانی سپری گردد، پس خواننده اش را تشویق میکند که از این نادانی برحذر باشد.

۲- بی‌آزاری:

هر که آزار روا داشت، شد آزرده
هر که چه کند در افتاد به چاه اندر
گر نخواهی که رسد بر دلت آزاری
بر دل خلق مزن بی سببی نشتر
به تیغ مردم آزاری چرا دل را بفرسائی
برای پیکر خاکی چرا جان را برنجانی
شاعر در این ابیات تأکید بر عدم آزار دیگران کرده و حتی با تهدیدی آشکار و استفاده از ضرب المثلی که مورد پذیرش اکثر انسان هاست، می‌گوید که اگر به کسی آسیبی برسانی، خود نیز دچار دردسر و مشکل خواهی شد. پس

هیچ کس را نیازار وبر دل کسی نیست فرود مکن تا بر دل تو نیز آزاری وارد نیاید؛ پس باید از مردم آزاری که چون شمشیری برنده دل آدمی را میفرساید ، دوری گزید و از آن ترسید.

۳- نهرا سیدن از آینده :

ای دل عبت مخور غم دنیا را
فکرت مکن نیامده فردا را

غم بیهوده خوردن از مسایل مذموم و ناپسند در ادبیات ماست ، مخصوصا اگر این اندوه بی مورد برای آینده ای ناشناخته و نیامده باشد در این مورد ، شاعر پاسخنی ضمنی به توکل اشاره میکند ، زیرا کسی که اهل توکل است نه تنها از فردای نیامده نمیهراسد ؛ بلکه به امید پروردگارش ، آینده را روشن میبیند.

۴- حزم و دوراندیشی :

ای آنکه عزم جنگ یلان داری
اول بسنج قوت اعضا را

یکی از موارد مهم برای انجام دادن درست امور و رسیدن به اهداف ، برنامه ریزی و دور اندیشی است، پروین با عنوان کردن سنجیدن اعضا و توان برای رویارویی با مشکلات به این کار ترغیب میکند و بیان میدارد که با دور اندیشی و حزم میتوانی حتی به جنگ یلان هم بروی ، اما نسنجیده عمل مکن و با مطرح نمودن یلان تاکید می دارد هر قدر کار بزرگتر، ضرورت این حزم واجب تر است .

۵- ترغیب بر حرکت و پویایی:

۱- برو باز جو دولت جاودان را	ز هر باد چون گرد منما بلندی
۲- برو از تیه بلا گمشده ای دریاب	بزن آبی و ز جانی شری بنشان
۳- برو ای قطره در آغوش صدف بنشین	روی بنمای چو گشتی گهر رخشان
۴- بروای فاخته با مرغ سحر بنشین	برو ای گل به صف سرو و سمن بنشین
۵- روز بگذشت ز خواب سحری بگذر	کاروان رفت رهی گیر و برو منشین
۶- برو از ماه فراگیر دل افروزی	برو از مهر بیاموز درخشانی
۷- مشو چو دهر که یک عهد پایدار نکرد	برو ز مورچه آموز بردباری و سعی
۸- دور کن از دامن اندیشه دست	از پی مقصود برو تات پاست

یکی از پربسامدترین مفاهیم در دیوان پروین تشویق و ترغیب گیرنده پیام به حرکت و رفتن به سوی خواسته است. حال این خواسته دولت جاودان باشد یا گمشده ای در بیابان بلا.

پروین همه چیز و همه کس را دعوت به تحرک و امر به رفتن مینماید . به قطره میگوید برو و در آغوش صدف بنشین تا زمانی که گهری رخشان شود رونمایی کند و به فاخته میگوید برو و همنشین مرغ سحر شود و به گل میگوید که برو و در صف سرو و سمن جای گیرد و اما فراتر از آن ، گاه دعوت به رفتنی نه با پا که با جان و دل است . آن هنگام که سخن از کاروان زندگی است باید رفت و از قافله عقب نماند ، باید رفت و آموخت از ماه و مهر و مور دل افروزی و درخشانی و بردباری و سعی و دیگر صفات نیکو را . باید تازمانی که توانی هست به دنبال مقصود رفت و از حرکت نایستاد.

۶- مقاومت و پایداری در برابر مشکلات:

هزار کوه گرت سد ره شوند برو
هزار ره گرت از پا در افکنند بایست

مقاومت در برابر مشکلات و ایستادگی در برابر سختی ها ، رمز پیروزی است . شاعر ، خواننده خود را دعوت به پایداری میکند آن هم در مقابل مشکلاتی چون کوه عظیم و راهی از پا در افکننده .

۷- توجه به آموزش به دیگران :

هر نکته که دانی بگوی پروین
تا نیروی گفتار در زیانست
شاعر مهربان ودانا، گویی از عمر کوتاهش آگاه بوده است؛ اوبا تمام مهربانی اش، در یاد دادن علمش وهرآنچه آموخته است ودر تفکر خویش برای خواننده سودمند میداند، تلاش میکندوبا فعل امر بگوی بر خود نهیب میزند که تا زمانی که نیروی گفتار در زبان داری هر نکته ای که میدانی را بیان کن تا از سود دانسته هایت، دیگران نیز بهره ببرند ورسالت شاعرانه خود، در آموزش دیگر انسان ها را کامل کنی. شاید بتوان گفت یکی از دلایل برگزیدن شیوه ترغیبی زبان همین توجه به مخاطب واهمیت آموزش به دیگران باشد.

۸- شجاعت در بیان حقیقت:

حقیقت گوی شو پروین چه ترسی
نشاید بهر باطل حق نهفتن
شاعر با منادا قرار دادن خویش، مخاطب را به گفتار حقیقت وشجاعت در بیان حق دعوت کرده وموکدا میگوید که برای اعمال وافکار بیهوده وباطل شایسته نیست که حقیقت را پنهان داشت، بلکه باید با شجاعت تمام حقیقت را آشکار ساخت.

۹- آگاهی از عیب خویش:

حاصل عمر تو افسوس شد و حرمان
عیب خود را مکن ای دوست ز خود پنهان
بدترین اتفاقی که در زندگی هر شخصی ممکن است روی بدهد، ناآگاهی از عیوب خویشستن است وبدتر از آن این است که انسان عیب خود را بداند وتعمدا، خود را از آن مبری بداند تا جاییکه این پنهان کاریش موجب خود فریبی وی گردد؛ در این بیت شاعر مخاطب خود را از این خصیصه زشت که موجب میگردد ماحصل عمر افسوس وندامت وپشیمانی شود برحذر می دارد.

۱۰- گذرایام:

گرت ای دوست بود دیده روشن بین
به جهان گذران تکیه مکن چندین
نکته حائز اهمیتی که ما انسان ها، اگر فراموشش نکنیم به درجات بالای اخلاقی خواهیم رسید، گذران بودن جهان است. شاعر در این بیت با بیانی صمیمی ومخاطب قرار دادان خواننده اش به عنوان یک دوست، تداعی میکند که به این جهان گذران نباید اعتماد کرد ودل خوش نمود؛ چرا که همانطور که بر پیشینیان گذشت برما نیز خواهد گذشت، پس اگر دیدگانی روشن بین داشته باشیم، نباید بر این جهان تکیه کنیم.

۱۱- فضیلت هنر وادب وعلم:

ز ادب پرس، مپرس از نسب و ثروت
ز هنر گوی مگوی از پدر و مادر
مزن جز خیمه علم و هنر تا سربرافرازی
مگوجز راستی تا گوش اهریمن بیچانی
آنچه در دیدگاه اهل علم وهنر وادب، محترم ونکوست همان هنر وادب وعلم می باشد. یعنی همان چیزی که خود را وقف آن نموده اند در این بیت شاعر با بکارگیری دو فعل امر ونهی در کنار یکدیگر بر ترغیب بیشتر خواننده کوشیده است وتاکید میدارد آنچه مهم وقابل پرس وجو میباشد ادب است وهنر ونه نسب وثروت. ودر باب علم اندوزی تاکید کرده و میگوید، برای سرافرازی در زندگانی باید فقط به دنبال کسب علم بود واین موضوع را با فعل نهی مزن خیمه، به خواننده اش یادآوری میکند.

۱۲- دوری از عیبجویی وبدگویی:

چون شانه عیب خلق مکن موبه مو عیان
در پشت سر نهند کسی را که عیبجوست

یکی از رذایل جوامع انسانی ، عیبجویی و آشکار نمودن عیوب دیگران میباشد . پروین در این شعر با بهره گیری از فعل نهی مکن ، خواننده را از عیبجویی برحذر داشته وعاقبت ناگوار فرد عیبجو را بر وی متذکر می شود و بیان میدارد اگر به دنبال عیبجویی باشی ، مردم تو را پشت سر خواهند نهاد و ترک میکنند ، پس برای اینکه در جامعه پذیرفته شوی از عیبجویی دیگران بر حذر باش.

نتیجه گیری:

براساس نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسون ، در هر ارتباطی شش نقش زبانی وجود دارد که در هر نوع ارتباط ، یکی از آنها برجسته تر می باشد ، دردیان پروین اعتصامی با توجه به بسامد بالای کاربرد جملات امری وندایی وشبه جملات در انواع جملات ناگذرا و گذرای دوجزیه، سه جزیه و چهار جزیه محور پیام به سوی گوینده بوده و شاعر از نقش ترغیبی زبان در اشعارش بهره جسته است .

وی در انتقال پیامش در مفاهیم و درونمایه های عرفانی- دینی همانند: ۱- صبر و بردباری، ۲- پاکدامنی ، ۳- تواضع و پرهیز از خودپسندی، ۴- ترک حرص و آرز، ۵- آزادگی و رهایی ، ۶- رسیدگی به یتیمان و ۷- پرهیز از ریاکاری ۸- رسیدگی به حال ناتوانان

و همچنین در درونمایه های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی مفاهیمی چون: ۱- اغتنام فرصت ۲- بی آزاری ۳- نهراسیدن از آینده ۴- حزم و دوراندیشی ۵- ترغیب بر حرکت و پویایی ۶- مقاومت و پایداری در برابر مشکلات ۷- توجه به آموزش دیگران ۸- شجاعت در بیان حقیقت ۹- آگاهی از عیب خویش ۱۰- گذرایام ۱۱- فضیلت هنروادب و علم ۱۲- دوری از عیب جویی و بدگویی ؛ را به مخاطبش خاطر نشان می سازد. میتوان بطور کلی بیان داشت که این شاعر در نوع ادب تعلیمی از نقش ترغیبی زبان در بیشتر درونمایه ها بهره جسته و رویکرد وی در ارتباط با مخاطبش بیشتر بر نظریه ترغیبی زبان استوار بوده است .

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبکشناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی میکند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمام خود نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرد.

REFERENCES

- Ahmadi, Babak (2007). Text Structure and Interpretation. Ninth Edition. Tehran: Markaz.
- Scholes, Robert (1990). An Introduction to Structuralism in Literature. Translated by Farzaneh Taheri. First edition. Tehran: Agah

- Etesami, Parvin (2015). Parvin Etesami's Divan. Tehran: Shabahang
- Anvari, Hassan and Hassan Ahmadi Givi (1994). Persian Grammar Book 2. Tenth edition. Tehran: Fatemi Publishing House.
- Aghababaei, Somayeh Vafaei and Iranzadeh (2016). Title of the article: Studying the structure of lyrical literature from a linguistic perspective based on the theory of "Jakobson's linguistic roles" Tehran: Literary Text Research
- Aghagolzadeh, Ferdows (2006). Critical Discourse Analysis. First edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Batani, Mohammad Reza (1938). About Language. First edition. Tehran: Agah.
- Batani, Mohammad Reza (1992). About Language and Linguistics. First edition. Tehran: Contemporary Culture.
- Tadié, Jean Yves (1938) Criticism in the Twentieth Century. Translated by Shirin No Nahali. Tehran: Niloufar
- Todorov, Tzvetan (2006). Literary Theory. Translated by Atefeh Tahaei. First edition. Tehran: Akhtaran.
- Rastegar Fasaee, Mansour and Atlas Esna Ashari (2005). Article title: Iranian Identity in Persian Literature until the Mongol Invasion. Journal of Humanities and Social Sciences, Shiraz University. Volume 22. Issue 1. Pages 69-80
- Sojoodi, Farzan (2001) Structuralism, Post-Structuralism and Literary Studies. Tehran: Islamic Propaganda Organization, Art Field.
- Samei Gilani, Ahmad (2004). Written and edited. Fifth edition. Tehran: Samt.
- Safavi, Kourosh (2001). From Linguistics to Literature. Volume 1. Second Edition. Tehran: Soore Mehr.
- Safavi, Kourosh (2004). From Linguistics to Literature. Volume 2. first Edition. Tehran: Soore Mehr.
- Faller, Roger et al. (1980), Linguistics and Literary Criticism. Translated by Maryam Khozan and Hossein Payande. Tehran: Ney.
- Farshidvard, Khosro (2003). Sentence and its transformation in Persian. Third edition. Tehran: Amir Kabir.
- Farshidvard, Khosro (2003). On Literature and Literary Criticism. Volume 2. Fourth Edition. Tehran: Amir Kabir.
- Kazazi, Mir Jalaladdin (1938). Aesthetics of Persian Speech 1st Edition. Tehran: Markaz
- Mahmoudi Bakhtiari, Ali Qoli (1999) The field of Iranian culture and civilization. Tehran: Offset Joint Stock Company.
- Vahidian Kamyar, Taqi (1990). The Tone of Speech in Persian. First Edition. Mashhad: Ferdowsi University.
- Vahidian Kamyar, Taqi (2004). How language becomes poetry. Title of the article: Discovering a reality about language. First edition. Mashhad: Islamic Azad University (Sokhan Gostar)
- Vafaei, Abbas Ali (2016). Persian Grammar. Tehran: Elmi.

- Hartmann, P. (1998). *Linguistics and Literature*. T. Bouché ... (others). Title of the article: *Linguistics*. Translated by Kourosh Safavi. First edition. Tehran: Hermes.
- Jakobson, Roman (2001) *Structuralism, Poststructuralism and Literary Studies*. De Saussure and Others. With the help of Farzan Sojoodi. Title of the article: *Linguistics and Poetics*. Translated by Kourosh Safavi. First edition. Tehran: Soore Mehr.
- Jakobson, Roman (2002). *Linguistics and Literary Criticism*. Roger Fowler and others. Article title: *Linguistics and Poetics*. Translated by Hossein Payande. Second edition. Tehran: Ney

فهرست منابع فارسی

- احمدی، بابک (۱۳۸۶). ساختار و تاویل متن. چاپ نهم. تهران: مرکز اسکولز، رابرت (۱۳۷۹). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ اول. تهران: آگه اعتصامی، پروین (۱۳۹۴). دیوان پروین اعتصامی. تهران: شباهنگ
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی ۲. چاپ دهم. تهران: نشر فاطمی
- آقابابایی، سمیه و صفوی و ایران زاده (۱۳۹۵). عنوان مقاله: بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبانشناسی با تکیه بر نظریه «نقش‌های زبانی یاکوبسن» تهران: متن پژوهی ادبی
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- باطنی، محمد رضا (۱۳۶۷). درباره زبان. چاپ اول. تهران: آگه
- باطنی، محمد رضا (۱۳۷۱). پیرامون زبان و زبان شناسی. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر
- تادیه، ژان ایو (۱۳۷۸). نقد ادبی در قرن بیستم. ترجمه شیرین نو نهالی. تهران: نیلوفر
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۵). نظریه ادبیات. ترجمه عاطفه طاهایی. چاپ اول. تهران: اختران
- رستگار فسایی، منصور و اطلس اثنی عشری (۱۳۸۴). عنوان مقاله: هویت ایرانی در ادب فارسی تا حمله مغول. مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز. دوره بیست و دوم. شماره اول. صفحات ۸۰-۶۹
- سجودی، فرزاد (۱۳۸۰). ساختارگرایی، پس ساختارگرایی و مطالعات ادبی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنر
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۳). نگارش و ویرایش. چاپ پنجم. تهران: سمت
- صفوی، کورش (۱۳۸۰). از زبان شناسی به ادبیات. جلد اول. چاپ دوم. تهران: سوره مهر
- صفوی، کورش (۱۳۸۳). از زبان شناسی به ادبیات. جلد دوم. چاپ اول. تهران: سوره مهر
- فالر، راجر و دیگران (۱۳۶۹). زبان شناسی و نقد ادبی. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). جمله و تحول آن در زبان فارسی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر
- فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۶۸). زیبایی شناسی سخن فارسی ۱. بیان. تهران: مرکز
- محمودی بختیاری، علیقلی (۱۳۶۸). زمینه فرهنگ و تمدن ایران. تهران: شرکت سهامی افست
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹). نوای گفتار در فارسی. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳). زبان چگونه شعر می‌شود. عنوان مقاله: کشف یک واقعیت درباره زبان. چاپ اول. مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی (سخن گستر)

وفایی، عباسعلی (۱۳۹۵). دستور زبان فارسی. تهران: علمی

هارتمن، پ (۱۳۷۷). زبان‌شناسی و ادبیات. ت. بروشه... (دیگران). عنوان مقاله: زبان‌شناسی. ترجمه کورش صفوی. چاپ اول. تهران: هرمس

یاکوبسون، رومن (۱۳۸۰). ساختگرای، پس‌ساختگرای و مطالعات ادبی. سوسورودیگران. به کوشش فرزانه سجودی. عنوان مقاله: زبان‌شناسی و شعرشناسی. ترجمه کورش صفوی. چاپ اول. تهران: سوره مهر

یاکوبسون، رومن (۱۳۸۱). زبان‌شناسی و نقد ادبی. راجرفالر و دیگران. عنوان مقاله: زبان‌شناسی و شعرشناسی. ترجمه حسین پاینده. چاپ دوم. تهران: نی

معرفی نویسنده

فاطمه مرادی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(Email: fmoradi@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0009-0006-8831-4224](https://orcid.org/0009-0006-8831-4224))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Fatemeh Moradi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: fmoradi@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0009-0006-8831-4224](https://orcid.org/0009-0006-8831-4224))